

شاپا چاپی: ۳۶۷۴ - ۲۷۱۷
شاپا الکترونیکی: ۳۶۶۶ - ۲۷۱۷

نشریه علمی
آینده پژوهی انقلاب اسلامی
(بهار ۱۴۰۰، سال ۲، شماره ۱: ۶۲ - ۳۷)



آینده‌اندیشی از منظر اشاعره و مقایسه آن با تشیع

علیمحمد احمدوند - سید عباس صفوی -

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱

چکیده

اشاعره به‌عنوان یکی از مکاتب کلامی دین اسلام و اهل سنت است که توسط ابولحسن علی بن اسماعیل اشعری پایه‌گذاری شده و در میان مکاتب اسلامی، یکی از پرطرفدارترین مکاتب از حیث کمیت است، با توجه به اهمیت آینده‌اندیشی و تأثیر آن بر ساخت آینده میان تفکرات حاکم بر مکاتب اسلامی، بررسی این مکتب از این منظر و مقایسه آن با مکتب تشیع از اولویت برای درک مسیر فکری پیروان این کتب در آینده و فهم جهان اسلام مؤثر خواهد بود. هدف این تحقیق، بررسی ویژگی‌های اصلی و اصول فکری مکاتب فکری اشاعره و تشیع و تأثیر این اصول بر آینده‌اندیشی این دو مکتب و فهم چهارچوب فکری این دو مکتب فکری در نگاه به آینده همراه با درک تفاوت‌ها و ریشه‌های تفاوت در آینده‌نگری خواهد بود، در این تحقیق، با روش تحلیل محتوا، ضمن بررسی بسترهای اجتماعی و تاریخی شکل‌گیری اشاعره، عمده‌ترین اصول اعتقادی این مکتب از منظر متفکران این مکتب فکری و تفاوت‌های عمده با مذهب تشیع بررسی و نتیجه این اصول اعتقادی بر آینده‌اندیشی اشاعره نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: اشاعره؛ آینده‌اندیشی؛ حسن و قبح؛ جبر و تفویض؛ مدینه فاضله

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

— استاد، گروه مهندسی صنایع، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران
— نویسنده مسئول: دانشجوی دکترا دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران
nasir.safavi@gmail.com

مقدمه

به منظور فهم بهتر از نحوه تفکر مکتب فکری اشاعره در خصوص آینده، باید از چند منظر به تحلیل و بررسی این مکتب فکری پرداخت. فلسفه تأسیس و چگونگی پیدایش و انگیزه مؤسسان آنها یکی از محورهای این شناخت خواهد بود، در عین حال توجه به بسترهای اجتماعی شکل‌گیری به درک بهتری از ریشه‌ها می‌انجامد. به موازات این بررسی روند تاریخی و اجتماعی، شناخت اصول فکری مکاتب و آنچه مبانی اندیشه‌ای هر مکتب نامیده می‌شود، برای شناخت بهتر از چهارچوب‌های حاکم بر اندیشه آنان ضروری است. توجه به معانی انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و در عین حال توجه به اصول و مبانی فکری از جمله مواردی است که باید با بررسی متون و نظرات متفکرین شاخص مکتب اشاعره، بررسی شده و سپس با تحلیل محتوا و برهم‌نهی و پیامدسنجی این اصول بر آینده‌اندیشی منظومه فکری اشاعره در این مقوله را ترسیم و تبیین نمود. در این راستا در این تحقیق در بخش بستر شکل‌گیری تاریخی و اجتماعی شش عامل اصلی مورد بررسی قرار گرفته و سپس مبانی و اصول معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی از منابع گوناگون استخراج شده است. در بخش مربوط به اصول فکری نیز شانزده مبحث اصلی از منابع این مکتب استخراج شده و در هر یک نیز بررسی متقابل با تفکر شیعی انجام گرفته است، در ادامه، مسیر تحقیق نیز برخی مصادیق روشن و شناخته‌شده آینده‌اندیشی در مکتب اسلام (غایت‌اندیشی و مهدویت) به صورت خاص در هر دو مکتب مورد بررسی قرار گرفته است، در نهایت با شناخت ابعاد فکری و اصول فکری و چرایی هر اصل (باعنایت به بستر شکل‌گیری) نحوه آینده‌اندیشی در هر دو مکتب تعریف و تبیین شده است. یکی از مزایای این بررسی در کنار توجه به شناخت دو مکتب مهم در دین مبین اسلام، امکان شناخت و پیش‌بینی رفتارهای پیروان مکاتب در رویدادهای امروزی و آینده جهان اسلام و چرایی این موضع‌گیری‌ها خواهد بود.

چهار چوب نظری

پیشینه

در خصوص مکتب اشاعره و اصول فکری این مکتب، در مقالات مختلف وجوه مختلف آن مورد بررسی قرار گرفته است، هریک از نویسندگان بعضاً به برخی از این اصول پرداخته و در برخی بررسی‌ها تحلیل متقابل آن با سایر مکاتب انجام شده است.

نویسندگان	موضوع و اهداف	مهم‌ترین یافته‌ها و تحلیل
پیرمرادی، محمدجواد (۱۳۷۰)	بررسی تطبیقی نظرات شیعه با معتزله و اشاعره	به برخی از اصول مکاتب اشاره شده است (مبنا شیعه بوده لذا اصول به صورت ناقص بحث شده است)
موسوی صدیق، سیدابوالفضل (۱۳۹۳)	بررسی ارتباط اشاعره با خلافت عباسی	سیر تاریخی ارتباطات اشاعره و شکل و نوع ارتباط و تأثیر متقابل اشاعره با خلفای عباسی
عمادزاده، محمد کاظم؛ راعی، مسعود؛ روح‌اللهی، روح‌الله (۱۳۹۱)	بررسی تطبیقی حسن وقیح و ثمرات آن در اندیشه شیعه، معتزله، اشاعره و ماتریدیه	صرفاً به موضوع حسن وقیح پرداخته است و در بخش اشاعره نیز کامل نیست، چون محور را مکتب شیعه در نظر گرفته است.
تقوی، سیدعلی؛ کرامت‌زاده، عبدالمجید (۱۳۹۸)	مبانی آینده‌پژوهی از دیدگاه فلاسفه اسلامی	با بررسی فلاسفه اسلامی از قدیم تا اخیر نظریات آنها را مورد بررسی قرار داده و اصلی‌ترین موضوع مورد بررسی آن مدینه فاضله است، تطبیقی با سایر مکاتب انجام نشده است (بیشتر شیعیان است)
حاجبانی، ابراهیم (۱۳۹۶)	مبانی، اصول و روش‌های	در یکی فصل‌ها با اشاره‌ای کوتاه و با

نویسندگان	موضوع و اهداف	مهم ترین یافته ها و تحلیل
	آینده پژوهی	بررسی آیات و روایت به بررسی آینده پژوهی اسلامی پرداخته است
سبحانی، جعفر (۱۳۹۰)	تفاوت‌های بنیادین عقاید اشعره و امامیه،	طی مقالات مختلف نویسنده در هر یک به بررسی عقاید اشعره پرداخته، در هر مقاله یک یا دو اصل از اصول عقاید اشعره مورد بررسی قرار گرفته است البته در اکثر مقالات تحلیل متقابل انجام نشده است.
سبحانی، جعفر (۱۳۹۴)	خدا آفریننده کارهای بندگان	
سبحانی، جعفر (۱۳۹۵)	عقاید اشاعره	
سلیمانی بهبهانی، عبدالرحیم، آسیابان‌ها رضایی، حامد (۱۳۹۵)	بررسی روش عقلی فلسفی در مکتب کلامی معتزله، اشاعره و امامیه	به برخی از اصول مکاتب اشاره شده است (مبنا اصول فکری شیعه بوده لذا اصول به صورت ناقص بحث شده است) و به صورت متمرکز با مبنای قرارداد اشاعره (اصول کامل) انجام نگرفته است.
عباس پور، ابراهیم (۱۳۹۴)	ظرفیت‌ها و ضرورت‌های اندیشه اجتماعی در کلام اشاعره	از جمله مقالاتی است که اصول اشاعره را مورد بررسی و تدقیق قرار داده است اما تحلیل متقابل آن با شیعه انجام نشده است
عمادزاده، محمد کاظم؛ راعی، مسعود؛ روح‌اللهی، روح‌الله (۱۳۹۱)	بررسی تطبیقی حسن و قبح و ثمرات آن در اندیشه شیعه، معتزله، اشاعره و ماتریدیه	مقاله‌ای است با تحلیل و تأثیر متقابل لیکن صرفاً در یکی از اصول فکری اشاعره

نویسندگان	موضوع و اهداف	مهم‌ترین یافته‌ها و تحلیل
دین‌پناه، حسن (۱۳۹۸)	دیدگاه برخی از بزرگان اشاعره (فخر رازی، تفتازانی و جرجانی) درباره امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)	باتوجه به موضوع مهم توجه به ظهور و آخرالزمان در آینده‌اندیشی این مقاله به این موضوع از منظر تفکر بزرگان اشاعره پرداخته است.
فارسی‌نژاد، علی‌رضا (۱۳۸۹)	تأملی بر دیدگاه اشاعره در باب غایت‌مندی آفرینش	یکی از وجوه آینده‌اندیشی یعنی توجه به آینده جهان و غایت‌مندی آفرینش از دیدگاه اشاعره مورد بررسی قرار گرفته است.
قدردان قراملکی، علی (۱۳۹۲)	فلسفه‌ی تأسیس مکتب اشاعره	بررسی سیر تاریخی تشکیل اشاعره و بستر شکل‌گیری آن (اجتماعی و ...) مورد بررسی قرار گرفته است.

بررسی منابع مشخص می‌کند که در منابع مورد بررسی، اصول فکری اشاعره به صورت جامع و کامل مورد بررسی قرار نگرفته و به همین شکل تحلیل متقابل آن با طرز فکر مکتب تشیع نیز به صورت جامع انجام نگرفته است. از سوی دیگر بررسی آینده‌اندیشی این دو تفکر نیز مورد تحلیل قرار نگرفته است، در اکثر مقالات نیز روش تحلیل محتوا مورد استفاده بوده است.

مبانی نظری

الف) بسترهای اجتماعی و تاریخی شکل‌گیری اشاعره

ابوالحسن اشعری در سال ۲۶۰ قمری در بصره به دنیا آمد. پدرش اسماعیل بن اسحاق، از طرفداران اهل حدیث بود. وی هنگام وفاتش زکریا بن یحیی ساجی، محدث و فقیه شافعی را وصی خویش قرار داد. از این رو، اشعری در کودکی تحت تعلیم اساتید پیرو اهل حدیث بود و

وی نیز از مشرکان به شمار می‌آمد. پس از مدتی، اشعری به مکتب اعتزال گرایش یافت و از ملازمان و شاگردان ابوعلی جبائی که از بزرگان معتزله به شمار می‌رفت، مبدل گشت و سال‌ها مدافع عقاید مکتب اعتزال بود (قدردان قراملکی، ۱۳۹۷).

ابولحسن اشعری بعد از چهل سال تعلیم در محضر ابوعلی جبائی از معتزله روی گردانده و به مکتب احمد بن حنبل گروید و به مرور دارای مکتب کلامی خاصی شد که با وجود برخی اختلاف‌ها، خطوط اصلی آن به مکتب اهل حدیث منجر شد. عمده‌ترین دلایل این روی گردانی به اختصار به شرح ذیل بیان می‌شود. تأمل در حیات، فعالیت‌ها و زمینه فکری و عملی اشعری، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که می‌توان کناره‌گیری وی از معتزله را در موارد ذیل تحلیل کرد (قدردان قراملکی، ۱۳۹۷).

کاستی‌های معرفتی مکتب اعتزال

اشعری از استادش ابوعلی جبائی می‌پرسد: سه برادر مؤمن، فاسق و کودک می‌میرند؛ عاقبت آنها چیست؟ جبائی می‌گوید: جایگاه مؤمن درجات و بهشت، جایگاه فاسق درجات و جهنم، و کودک نه عذاب می‌شود و نه به درجات می‌رسد؛ چرا که عبادتی ندارد تا به درجات برسد. اشعری می‌پرسد: اگر کودک بگوید عبادت نکردن من به خاطر کوتاهی من نبوده، بلکه تو بر من قدرت عبادت ندادی و پیش از سن تکلیف از دنیا رفتم و لذا تقصیر من نیست؛ استاد پاسخ می‌دهد: از دنیا رفتن کودک پیش از سن تکلیف به خاطر لطف و مصلحت خدا بوده است؛ چرا که اگر زنده می‌ماند، بعد از سن تکلیف مرتکب معصیت شده و به درجات می‌رفت. اشعری می‌گوید: در این صورت، برادر فاسق اعتراض خواهد کرد که چرا خدا بر او لطف نکرده و او را پیش از سن تکلیف از دنیا نبرده تا به درجات نرود؟ چرا خدا مصلحت کودک را رعایت کرده، ولی مصلحت فاسق را رعایت نکرده است؟ جبائی پاسخی ندارد و اشعری را دیوانه خطاب می‌کند (قدردان قراملکی، ۱۳۹۷).

دستور پیامبر در عالم رؤیا

یکی از عللی که برای کناره‌گیری اشعری از مکتب اعتزال ذکر شده است، نقل است که

اشعری پیامبر را در خواب می‌بیند که در عالم رؤیا و خواب دستور پیامبر به اوست، لذا به نقد روش (مکتب اعتزال) می‌پردازد و او را به پیروی از سنت تشویق می‌کند. جریان خواب دیدن اشعری به صورت های مختلف و متعددی نقل شده است (قدردان قراملکی، ۱۳۹۷).

تغییر حاکمیت

بعد از پایان حکومت بنی‌امیه (۴۱- ۱۳۲ ق) حاکمان بنی‌عباس (۱۳۲- ۶۵۶ ق) روی کار آمدند، خیزش حاکمان عباسی همان‌گونه که بسیاری از تاریخ نگاران و پژوهشگران یادآور شده‌اند از آغاز رنگ قومی- مذهبی داشت. انقلابی که خاندان عباسی را به قدرت رساند با مبارزه تبلیغاتی فعالانه به نام بازگردانیدن اسلام اصیل و برگشتن به مراعات تأکید احکام قرآن همراه شد. آنان که ارتباط نسلی با پیامبر اکرم صلی‌الله علیه داشتند، کوشیدند نشان دهند که از موهبت پشتیبانی الهی برخوردار بودند. آنان خود را ظل‌الله العظمی لقب دادند و به نام‌های خود لقب‌هایی افزودند که صفات اخلاقی و مذهبی را بیان می‌کرد، عباسیان میان ایدئولوژی اسلامی و خلافت عباسی رابطه نزدیکی برقرار کردند (موسوی صدیق، ۱۳۹۳).

دوران خلافت عباسیان به‌خصوص بعد از زمان مأمون و با به‌خلافت‌رسیدن متوکل عباسی، دوران افول معتزله و توجه به اشاعره بوده است. از دوره خلافت المتوکل علی‌الله، سختگیری‌ها به معتزله (مذهب رایج تا آن زمان) شروع شد، به‌طوری‌که طبق نقل مسعودی، متوکل با عقیده رایج تا آن دوره مخالفت کرد و جدل و مناظره آرا را ممنوع ساخت و هرکه را به این کار دست می‌زد، مجازات نمود و امر به تقلید داد و بیان و ابتدای بر روایت و نقل حدیث را آشکار نمود. متوکل در سال ۲۳۲ قمری، ضد معتزله شد. او برخلاف حاکمان قبلی، تعقل و تفکر را مردود می‌دانست. از این‌رو، متوکل به حمایت از مکتب اهل حدیث پرداخت و معتزلیان را که اساس و مبنای آنان تعقل بود، در انزوا قرار گرفتند. این طرز تفکر، با ازدنیارفتن متوکل در سال ۲۴۷ قمری خاموش نشد و حاکمان بعدی نیز ادامه‌دهنده مسیر او بودند. برای نمونه، یکی از کارهایی که خلفای عباسی در این سال‌ها علیه عقل‌گرایی انجام دادند، ممنوعیت خرید و فروش کتب کلامی و فلسفی بود. ماجرای کناره‌گیری اشعری از معتزله، در زمان حکومت این حاکمان اتفاق

افتاد. از این رو، برخی معتقدند کناره‌گیری اشعری از معتزله و پیوستن وی به اهل حدیث، برای فرار از انزوا و سختگیری‌های حکومتی بوده است، آدام متر در کتاب خود می‌نویسد در قرن سوم، اهل سنت به معتزله به دیده نفرت و تحقیر می‌نگریستند و در اواخر قرن سوم اشعری که قبلاً خودش معتزلی بود، علیه معتزله برخاست و با سلاح خودشان به جنگ ایشان رفت. لذا مکتب اشعری در دوران خلفای عباسی به سرعت گسترش یافت و قبل از پایان سلطنت سلجوقیان کاملاً تثبیت شد و در سراسر مشرق‌زمین گروه‌های گسترده‌ای جذب مکتب اشعری شدند (موسوی صدیق، ۱۳۹۳).

دنیاطلبی

از جمله عللی که برای کناره‌گیری اشعری ذکر شده است، دنیاطلب بودن اوست. مخالفان اشعری نقل می‌کنند که وی انسانی مادی بود و به‌خاطر آن از معتزلیان کناره‌گیری کرد تا به منافع بیشتری برسد. نقل شده است که برخی از نزدیکان اشعری فوت کردند و وی از آنان ارث می‌برد. از آنجا که وی معتزلی بود و حکومت با معتزلیان رابطه خوبی نداشت، از ترس این که حاکم او را از ارث منع نکند، از مکتب معتزله کناره‌گیری کرد. همچنین گفته شده است: چون اشعری بین مردم به سبب معتزله‌بودنش، جایگاهی نداشت، از اعتزال دست کشید تا به جایگاهی بین مردم برسد (قدردان قراملکی، ۱۳۹۷).

رقابت با ابوهاشم در ریاست معتزله

در زمان حیات ابوالحسن اشعری، ابوعلی جبائی به‌عنوان رئیس و نفر اول معتزلیان به‌شمار می‌آمد. در کرسی درس وی، شاگردان و ملازمان متعددی شرکت می‌کردند که دو تن از آنان سرآمد بقیه بودند؛ ابوهاشم فرزند ابوعلی و دیگری ابوالحسن اشعری. رقابت برای جانشینی ابوعلی و ریاست بر معتزلیان بعد استاد، میان این دو تن بود. در این رقابت، ابوهاشم بر اشعری سبقت گرفته و جانشینی و ریاست معتزلیان را عهده‌دار شد. برخی مستشرقان مدعی شدند که اشعری این مطلب را برنتافت و از مکتب اعتزال خارج شد و خود مکتب جدیدی احداث کرده و ریاست آن را عهده‌دار شد (قدردان قراملکی، ۱۳۹۷).

وضعیت اجتماعی

در اوایل قرن نخست و اوایل قرن دوم هجری اهل حدیث بر ظواهر آیات و احادیث تمرکز کرده اما تمرکز معتزله بر عقل بود، تا آغاز حکومت مأمون عباسی به دلیل حمایت مهدی و هارون، قدرت در دست اهل حدیث بود، ولی در دوره مأمون و معتصم و واثق، معتزله مذهب رسمی دولت شد، دوران حکومت مأمون (۱۹۵ هجری قمری) تا آغاز حکومت متوکل غلبه با معتزله بود، با روی کار آمدن متوکل (۲۴۷ قمری) معتزله افول کرده و اهل حدیث وارد صحنه شدند و احمد بن حنبل به عنوان پیشوای عقیدتی برگزیده شده بود.

در چنین فضایی در نظر عامه مردم، تبعیت عقل از حکم شرع در حقیقت به نوعی تکریم برای دین بود، زیرا قدرت اندیشه نداشتند و تعقل را خطرناک می‌دانستند. بنابراین منع تفکر توسط متوکل توسط عامه مردم، مورد پسند بوده و به نوعی حمایت از دین و سنت پیامبر تلقی می‌شد و موجب محبوبیت متوکل نیز شده بود. مبتنی بر این شرایط اجتماعی، اشاعره ظهور کرده و رشد یافت (مطهری، ۱۳۶۸).

ب) اصول اعتقادی و مبانی فکری اشاعره

۱. انکار ضرورت علی

یکی از لوازم تفکر اشاعره انکار قاعده علیت است، اشعری روابط ضروری میان اشیاء و در حوادث عالم طبیعت را انکار کرده آن را منافی با قدرت خداوند می‌داند. او می‌گوید هر چیزی به بنده نسبت داده می‌شود، تأملی در آن نشان می‌دهد که خالق اصلی آن خداوند است. رابطه‌ای ضروری بین بازبودن چشم و ادراک وجود ندارد، بلکه میان این دو پدیده رابطه امکانی وجود دارد، بازبودن چشم ضرورتاً باعث دیدن نمی‌شود، آنچه باعث دیدن می‌شود، مخلوق خداوند است (پیرمرادی، ۱۳۷۰).

شیعه: اصل علت و معلول مورد توجه و تصدیق علمای شیعه قرار داشته و بر این اساس بسیاری از اصول و براهین دیگر را مورد استنتاج قرار می‌دهند. از سوی دیگر این اصل در اصول فکری اشاعره دارای تناقض با مفاهیم معرفت‌شناسی آنهاست، زیرا از یک سو به محسوسات و

واقع گرایی معتقدند و از سوی دیگر مخالف نظام علی هستند (پیرمرادی، ۱۳۷۰).

۲. اصل عادت الله

به زعم اشاعره، پذیرش نظریه طبیعت و ضرورت در مورد رابطه موجودات با یکدیگر بیانگر نوعی حتمیت است و با فعال مایشاء بودن خداوند منافات دارد؛ یعنی اگر بگوییم طبیعت آتش، سوزاندن است به این معناست که جهان هستی نظام خاصی دارد و خدا مکلف به تبعیت از این نظام است. اشاعره قانونمند بودن طبیعت را رد کرده و به جای آن از نظریه عادت الله استفاده کرده اند (عباس پور، ۱۳۹۴).

شیعه: همان گونه که در موارد دیگر نیز بیان خواهد شد، شیعه به نظام آفرینش و سنت های الهی و در عین حال تأثیر گذاری اراده انسان اعتقاد دارند، ضمن آنکه قوانین طبیعت را به عنون یکی از مصادیق بروز اراده الهی و آفریده او می دانند (عباس پور، ۱۳۹۴).

۳. تقدم نقل بر عقل

تقدم نقل بر عقل و تقدم نص نازل شده اعم از قرآن، سنت و عمل صحابه از اصول اعتقادی مهم اشاعره است. از نظر اشعری عقل کمتر از آن است که بتواند درباره حسن و قبح، قضاوت کند. اشاعره معتقدند آموزه های دینی از طریق نقلی مطرح می شوند (پیرمرادی، ۱۳۷۰).

۴. نظریه کسب (فاعل افعال خود خداست)

اشاعره به تبع ابوالحسن اشعری، قائل به نظریه کسب شدند که مطابق آن، انسان نه خالق افعال خویش و نه فاعل آنهاست، بلکه فقط کسب کننده است (سبحانی، ۱۳۹۵ الف).

شیعه: این دیدگاه دارای ابهام است و اشاعره در تبیین و توضیح، برداشت های متفاوتی دارند که تا هفت رهیافت شمارش شده است. این دیدگاه از آنجا که انسان را فاعل نمی داند، بسیار نزدیک و بلکه همان جبر است که فسادش روشن است که امامیه با (امر بین الامرین) به نظریه صحیح دست یافته اند (سبحانی، ۱۳۹۵ الف).

۵. زیادتِ صفات بر ذات

اشاعره بر این باورند که صفات خداوند غیر ذات او هستند و لذا فساد این دیدگاه با مراجعه به

عقل و نقل روشن می‌گردد. براین اساس علاوه بر ذات خدا که قدیم است، صفات دیگر خدا نیز قدیم خواهد بود (القدماء الثمانية). آنان معتقدند، صفات عین ذات نیست و گرنه باید بتوانیم، بگوییم ای علم خدا، ای قدرت خدا مرا ببخش فقط ذات است و ذات (سبحانی، ۱۳۹۰).

شیعه: اولاً، لازمه این دیدگاه نیاز خدا بر صفات و تعدد قدیم و خداوند است که هر دو باطلند. شیعه معتقد است صفات ذات (علم و قدرت و حیات) عین ذات است، نه زائد است و ثانیاً، در روایات این دیدگاه تخطئه شده است.

اشاعره بین مفهوم و مصداق خلط کرده‌اند. اینکه می‌گوییم صفات خدا عن ذات خداست از حیث مصداق است نه از حیث مفهوم. بله مفهوم خدا عین مفهوم قدرت او نیست، ولی در عالم نفس الامر یک واقعیت نامحدود بیش نیست که هم قدرت است، هم علم است و به‌طور کلی یک ذات است که مستجمع جمیع کمالات است (سبحانی، ۱۳۹۰).

۶. رؤیت خدا در قیامت

اشاعره: اشاعره معتقدند خداوند در روز رستاخیز با چشم ظاهری دیده می‌شود.

شیعه: لازمه دیده شدن، جسمانیت و لازمه جسمانیت، محدودیت است؛ همچنین به حکم آیه شریفه (لا تدرکه الابصار) رؤیت خداوند باطل است (سبحانی، ۱۳۹۰).

۷. تمثیل خداوند به مسائل مادی

اشاعره: اشاعره معتقد به قابل مشاهده بودن تمثیل خداوند به مسائل مادی هستند (یدالله، اذن‌الله).

شیعه: شیعه معتقد به تأویل است (سبحانی، ۱۳۹۰).

۸. حسن وقبح

حسن وقبح هر کدام دارای سه معناست، حسن وقبح به معنای لذت داشتن و موافقت فعلی با غرض یا مصلحت و مخالفت با مقصود (غرض) یا مفسده. دوم حسن وقبح به معنای کمال و نقص (به این معنا صفت می‌شود). سوم به کاری که در دنیا مورد مذمت قرار گیرد، و در آخرت مورد عقاب قرار گیرد، قبیح و زشت و کاری که در دنیا موجب مدح و در آخرت موجب ثواب شود

حسن می‌گویند، براین اساس اختلاف در مورد سوم است (عمادزاده، ۱۳۹۱).

اشاعره: اشاعره طرفدار حسن و قبح شرعی‌اند، چون حسن و قبح (نیکویی و زشتی) را تابع احکام شرع می‌دانند، چنین می‌اندیشند که ارزش همه امور تابع قوانین است و حقوقی برتر یا جدای آن وجود ندارد. اشاعره منکر ملازمه حکم عقل و شرع شده‌اند. عقل جایگاهی در قلمرو دین ندارد (عمادزاده، ۱۳۹۱).

شیعه: شیعه طرفدار حسن و قبح عقلی است. طبق نظریه شیعه جاهای خالی در قوانین را می‌توان با خمیرمایه عقل پر کرد و در کنار آنچه هست، برای آنچه باید باشد، قواعدی تعریف نمود: کلاماً حکم به الشرع حکم به العقل و کلاماً حکم به العقل حکم به الشرع. شیعه در خصوص حسن و قبح بلا بیان معتقد بر اصل اباحه در مقابل اصل حظر است، شیخ طوسی می‌گوید، اعتقاد ما این است، همه چیز مطلق (حلال است) تا اینکه نهی بر آن وارد شود (عمادزاده، ۱۳۹۱).

۹. مطلق یا نسبی بودن اخلاق (اخلاق جاودان)

اشاعره: حسن و قبح افعال، نه ذاتی است و نه عقلی، به اعتبار و نظر شرع بستگی دارد (نقلی است). ملاک خوبی و بدی خود افعال نیستند، خود فعل ذاتاً نه خوب است و نه بد، بلکه خوب و بد بودن با فعل الهی مشخص می‌شود. اگر فعلی را خداوند انجام داد، عین عدل و خوبی است و اگر انجام نداده، بد است (عباس‌پور، ۱۳۹۴).

شیعه: حسن و قبح، عقلی است و در طبیعات نسبی است. براساس نظر علامه طباطبایی، می‌گویند، تردید نیست که ما بسیاری از حوادث طبیعی را دوست داریم یا دشمن داریم، بسیاری از چیزها را (مزه‌ها، بوها، صداها و ...) را از راه ادراک حسی، خوب می‌شماریم؛ مثلاً آواز الاغ یا بوی مردار را بد می‌شماریم، ولی نمی‌توان این خوبی و بدی را مطلق برشمرد و به آنها واقعیت مطلق داد، زیر می‌بینیم، جانوران دیگری هستند که متفاوت از این ادراک رفتار می‌کنند، آواز الاغ برای بقیه الاغ‌ها زیباست، یا حیواناتی هستند که جذب مردار می‌شوند، پس می‌توان گفت دو صفت خوبی و بدی که خواص طبیعی پیش ما دارند، نسبی هستند (عباس‌پور، ۱۳۹۴).

۱۰. جبر و تفویض

اشاعره: اگر نظریه تفویضی را بپذیریم، باید قبول کنیم که بعضی امور انسان برخلاف اراده خداوند انجام می‌گیرد، یعنی کاری را ممکن است خداوند نخواهد و انسان بخواهد و آن انجام شود، در این صورت اراده انسان بر اراده خداوند غالب می‌شود و این مستلزم نقص در فاعلیت باری تعالی است (سبحانی، ۱۳۹۵ الف).

شیعه: فرمایش پیشوای ششم لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین، اینکه انسان مختار است، به این معنا نیست که خداوند هیچ دخالتی در فعل او ندارد، بلکه خدا انسان را مختار آفریده و به طور تکوینی فعل او اختیاری است، درحقیقت فعل انسان، در طول فعل خداوند است، نه در عرض آن، خداوند کارش را از طریق یک نظام انجام می‌دهد، اراده انسان علت ناقصه است نه علت تامه (سبحانی، ۱۳۹۵ الف).

۱۱. هدف‌مندی آفرینش

اشاعره: آفرینش هدف‌مند نیست، چون هدف محرک فاعل در انجام فعل است، لذا فاعل بدون آن ناقص است، پس افعال خداوند هدف‌مند نیست (فارسی‌نژاد، ۱۳۸۹).

شیعه: اقدام خدا در آفرینش هدف‌مند است (غایت‌مند است) و حرف اشاعره اشتباه است به این دلیل که هدف در اینجا به فعل برمی‌گردد نه فاعل (فارسی‌نژاد، ۱۳۸۹).

۱۲. هدایت و ضلالت

اشاعره: همه چیز حتی ضلالت بندگان به دست خداوند است (سلیمانی بهبهانی، ۱۳۹۵).

شیعه: هدایت و ضلالت بندگان به عهده خودشان است و گرنه عقاب و پاداش بی‌معناست (سلیمانی بهبهانی، ۱۳۹۵).

۱۳. اراده خداوند (قضا و قدر)

اشاعره: قائل به عمومیت اراده الهی هستند، علم خداوند از اراده او جداست، خداوند ممکن است به چیزی علم داشته باشد، اما اراده آن را نخواهد داشت (سبحانی، ۱۳۹۴).

شیعه: قضا و قدر الهی با اختیار انسان منافات ندارد، عمومیت اراده خداوند به این معناست که

عالم هستی بر یک نظام خاص خلق شده و ارده الهی به تمامی افعال و امور از طریق این نظام تعلق می‌گیرد. بنابراین، هیچ چیز تکویناً از تحت سیطره الهی خارج نمی‌شود و افعال انسان در این نظام علل و اسباب خاص خود را خواهند داشت (سبحانی، ۱۳۹۴).

۱۴. اصل تغلب

الحق لمن غلب، حق از آن کسی است که پیروز شود؛ درحقیقت هر کسی با استفاده از قدرت بتواند به حاکمیت برسد، ولی امر مسلمین است و اطاعت از او واجب و خروج از اطاعتش معصیت است و مصداق امر به منکر و نهی از معروف است (سبحانی، ۱۳۹۰).

پ) اعتقاد اشاعره در خصوص مفاهیم اصلی آینده‌اندیشی اسلامی (مفاهیم مستقیم)

در بررسی برخی مفاهیم اسلامی در خصوص آینده‌اندیشی (مفاهیم مستقیم یا بلافصل)، دو نظریه عمده غایت‌مندی آفرینش و نگاه به آینده جهان یا به تعبیر دیگر سرانجام و تفسیر آیات مرتبط با آینده جهان و نکات مرتبط با برهه تاریخی قبل از برپایی قیامت است که این دیدگاه در نگاه شیعه یکی از پررنگ‌ترین نکات مرتبط با آینده‌اندیشی است، لذا در این بخش به بررسی این دو موضوع در نگاه اشاعره و تشیع می‌پردازیم:

۱. غایت‌مندی آفرینش

اشاعره: قول و رأی مشهور اشاعره در اثبات و یا نفی غرض در فعل باری تعالی این است که آنها تعلیل افعال الهی به اغراض و مقاصد را مخل می‌دانند.

شیعه: از دیدگاه علامه حلی قول مشهور مستلزم محالات عدیده‌ای از قبیل لایع و عابث بودن خداوند است (دین‌پناه، ۱۳۹۸).

۲. دیدگاه درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاعره: نگاه اشاعره در دیدگاه مهم‌ترین متفکران مکتب اشاعره از جمله فخر رازی، تفتازانی و جرجانی درباره امام مهدی (عج) بررسی می‌شود. از نگاه فخر رازی، غیبت امام مهدی با لطف و منصوب و منصوب بودن آن ناسازگار است. به عقیده او امام باید حاضر باشد تا مردم را به طاعت‌ها نزدیک و از زشتی‌ها دور کند. در دیدگاه تفتازانی برای لطف و منصوب بودن امام مورد

توجه همه اعصار قرار گرفته است. از این رو، تفتازانی، خالی بودن دوره‌ای از زمان از وجود امام را دلیل بر منصوب نبودن امام غایب و جرجانی نیز آن را بیانگر آن دانست که خداوند در عصر ما واجبی را رها کرده باشد و حال آنکه چنین چیزی محال است.

از نگاه اشاعره موضوع امام مهدی موعود از شاخه‌های مسئله امامت و خلافت است که جای این بحث در کلام نیست. از این رو، غزالی می‌گوید ما صرفاً به پیروی از رسم و روش مشهور علماست که مباحث امامت را در پایان عقاید و کتاب‌های کلامی بحث می‌کنیم. تفتازانی نیز در خاتمه کتاب خود احادیث موضوع امام مهدی (عج) و ظهور او را مورد توجه قرار داده است.

دانشمندان اشاعره غالباً به نصب امام، به بررسی دیدگاه امامیه در این باره می‌پرداختند. امامیه نصب امام و به تبع آن امام مهدی را از راه اصل لطف واجب می‌دانند، اما از نگاه اشاعره در صورت وجود نصب از جانب خدا یا پیامبر نسبت به شخصی، امامت آن شخص مشروع و جائز است؛ زیرا اراده خدا مقدم و حاکم بر هر نوع اراده‌ای است ولی از آنجا که چنین نصبی به هیچ فقیه و محدثی نرسیده، پس چنین نصبی واقع نشده است. از این رو، نصب امام تنها بر مردم واجب است.

آنان با رد قاعده لطف، در واقع به رد و انکار امام مهدی نیز پرداختند. آنان این گونه اشکال کردند که قاعده لطف، تنها با امام ظاهر حاصل می‌شود، نه با امام غائبی که هیچ اثر و خبری از آن نیست؛ زیرا در عصر غیبت، امام آشکارا حضور ندارد تا وظایف خود که فراهم نمودن زمینه اطاعت و عبادت و پرهیز از معصیت است، را ایفا کند (دین پناه، ۱۳۹۸).

ت) بررسی نگاه شیعه به آینده‌اندیشی

۱. در کلام ائمه (ع)

امیرالمؤمنین علی (ع): *الْمُؤْمِنُونَ هُمُ الَّذِينَ عَرَفُوا أَمَامَهُمْ: مؤمنین کسانی‌اند که نسبت به آینده و پیش روی خود آگاهند.* (بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، جلد ۷۵، صفحه ۲۵).

امام رضا (ع): *التَّوْبَةُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ: توبه قبل از عمل تو را از پشیمانی ایمن می‌کند.* (عیون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۵۴ کافی، ج ۲، ص ۱۱۳).

تدبیر پس از نتیجه بی‌تأثیر است
چون شیر که بسته در غل و زنجیر است
از دغدغه ندامت آزاد شود
پیش از عمل آنکه صاحب تدبیر است
امیرالمؤمنین علی (ع): مَنْ تَوَرَّطَ فِي الْأُمُورِ بَغَيْرِ نَظَرٍ فِي الْعَوَاقِبِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلنَّوَابِ: هر کس بدون نگرش به عواقب در ورطه کارها درآید، خود را در معرض مصائب و مشکلات نهاده است (کنز الفوائد: ۲۸۰/۱).

امام علی (علیه‌السلام) در قسمتی از عهدنامه مالک اشتر، سفارش می‌کند که هنگام گزینش کارگزاران، کسانی را انتخاب نماید که دارای ویژگی‌هایی مثل دوراندیشی، هستند (حاجیانی، ۱۳۹۶).

درحقیقت در آیات و روایات مربوط به آینده، به‌صورت مکرر انسان‌ها را به تفکر درباره آینده و برنامه‌ریزی و تدبیر برای آینده‌ای سعادت‌مند فرامی‌خواند. قرآن کریم از انسان‌های مطلوب به "متوسمین" تعبیر نموده است. متوسمین کسانی هستند که با هشیاری و بینش مخصوص خود از هر علامتی، جریانی و از هر اشاره‌ای مطلب مهم و آموزنده‌ای را کشف می‌کنند (واعظی، ۱۳۹۴). در نگاه ائمه (علیهم‌السلام) و با بررسی آیات و روایات مختلف درمی‌یابیم، آینده‌اندیشی در نگاه شیعه، نگرشی روینده و بالنده به آینده بشریت دارد. از این منظر، بشریت درمی‌یابد که "حیات طیبه" جز در پرتو آموزه‌های الهی حاصل نمی‌آید. این باور ژرف و امیدآفرین، سمت‌وسوی سیاست‌گذاری‌ها و طرح‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را مشخص می‌کند و به زندگی انسان‌ها جهت می‌دهد (واعظی، ۱۳۹۴).

۲. برخی دیدگاه‌های مطرح در نگاه شیعه

همان‌گونه که در خلال طرح عقاید اشعره بیان شد، در تمامی موارد در کنار بیان نظرات اشاعره نگاه شیعه نیز در نقطه مقابل هر نظریه بیان شد، در این بخش به‌صورت ویژه به برخی نکات از منظر علمی شیعه در موضوعات مؤثر بر آینده‌اندیشی در شیعه اشاره می‌شود:

۱-۲. شهید محمدباقر صدر: قرآن به نحوی مؤکد بیان می‌کند که صحنه تاریخ دارای قوانین، سنن و ضوابطی است؛ درست مانند دیگر صحنه‌ها و میدان‌های جهان هستی

که آیین‌ها و سنت‌های خاص خود را دارند، این مفهوم قرآنی گشایش و فتح بزرگی از ناحیه این کتاب مقدس محسوب می‌شود؛ چراکه می‌دانیم، قرآن نخستین کتابی است که در دنیای فرهنگ و معارف بشری؛ این مفهوم - یعنی قانونمند بودن و سنت‌دار بودن تاریخ- را مورد تأکید قرار داده و بر قطعیت اطلاق و شمول آن اصرار دارد (تقوی، ۱۳۹۸).

۲-۲. جبر و اختیار: تأکید بر همان روایت معصوم در خصوص امر بین‌الامرین است (گرچه علم خداوند ایجاب می‌کند که ضرورتاً فعلی از بنده صادر شود یا ضرورتاً صادر نشود، اما علم الهی اقتضا می‌کند که وجود و صدور فعل از بنده مسبوق به قدرت و اختیار او باشد. همان‌گونه که خداوند علت فاعلی برای وجود هر موجودی و وجوب آن است و این باعث بیهوده‌شدن علل واسطه نمی‌شود، علم او به زمینه‌های فعل انسان هم باعث عدم اختیار او نمی‌شود. خداوند علت نهایی تمامی پدیده‌هاست، اما خود این اسباب و علل هم تأثیر دارند، آب سیراب می‌کند و آتش می‌سوزاند (سبحانی، ۱۳۹۰).

۲-۳. امام خمینی (ره) در رساله طلب و اراده نخست به نقد جبر اشاعره و اختیار مطلق معتزله می‌پردازد. از نظر ایشان، اشاعره خداوند را وارد حیطه ممکنات کرده‌اند، چون آنها می‌گویند، افعالی که ما انجام می‌دهیم، مباشرتاً و مستقیماً اثر فعل خداوند است و این یعنی سرایت دادن ویژگی‌های امکانی افعال ما (مانند حدوث زمان و مکان) به حضرت حق؛ لذا شخص قائل به تفویض مشرک است و جبری کافر است. از نظر ایشان طریق سوم (نفی و جبر و تفویض مطرح است) علم فعلی خداوند به نظام اشیا و علل امور است، علم خداوند علم انفعالی نیست که تحت تأثیر علل و معالیل بیرونی قرار گیرد یا تابع آنها باشد. علم خداوند منشأ خلق امور است. اوست که نظام علی و معلولی حاکم بر جهان را خلق می‌کند، در این سلسله طولی انسان در طول سایر مبادی است (تقوی، ۱۳۹۸).

۲-۴. در دیدگاه شیعه نظام هستی دارای نظام است (از جمله نظام علت و معلولی) در مکتب

شیعه این مسئله براساس تمایز میان علت طولی و عرضی و نیز علت بعیده بودن خداوند برای افعال تبیین شده است (مطهری، ۱۳۶۸، ب).

۵-۲. آرمان‌شهر: پررنگ‌ترین طرح آرمان‌شهر یا مدینه فاضله در نگاه فارابی است (در این نگاه شهر با دیار و محل زیست متفاوت است، بلکه محلی است که انسان از طریق آن می‌تواند به سعادت دست یابد)، از دیدگاه سهروردی ختم نبوت به معنای بسته شدن ابواب فیض الهی بر بشر نیست و به همین دلیل دست‌کشیدن از شرایط حاکم آرمانی درست نیست (تقوی، ۱۳۹۸).

۶-۲. اعتقاد به مهدویت و تفوق مستضعفان بر مستکبران و ظهور منجی موعود از اصول بسیار مهم تفکر شیعه است که سبب‌ساز امید و ایجاد حرکت‌های اصلاحی و درعین‌حال ظلم‌ستیزی و طرفداری از محرومان و مستضعفان است. شیعیان در تفسیر آیه (۵) از سوره قصص « وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ » ظهور فرزند امام دوازدهم شیعیان را تفسیر حقیقی این موضوع می‌دانند (دین‌پناه، ۱۳۹۸). اعتقاد به وعده‌ها و سنت‌های الهی، از جمله وعده الهی که فرمود: «و لينصرن الله من ينصره ان الله لقوى عزيز» و «والله غالب على امره. این وعده‌های الهی به برکت بیداری و حرکت مسلمان‌ها به تدریج خود را نشان می‌دهد و آینده امت اسلامی آینده‌ای روشن و تابناک است، بایستی به سوی این آینده حرکت نمود (آیت‌الله خامنه‌ای، سخنرانی ۱۳۸۷).

۷-۲. آیت‌الله خامنه‌ای: ما آینده را نمی‌شناسیم چگونه است و از آن خبر نداریم. همه چیز مبتنی بر حدس و تحلیل است. گذشته، عینیات و حسنیات ماست و وجود ما با همه شراشر حیاتش، آن را درک و لمس کرده است؛ ولی ما آینده را به حدس درمی‌یابیم. درعین‌حال، این حدس آمیخته به اراده ماست؛ یعنی ما اجازه نمی‌دهیم که آینده، جدای از اراده و خواست ما، به جهتی حرکت کند. ما می‌خواهیم اراده خود را در آینده دخیل کنیم. این هم خاصیت انسان مؤمن باهدف است. اگر هدفی داریم و اگر

مشخص است که کجا می‌خواهیم برویم و اگر تصمیم بر رفتن داریم، پس آینده قابل حدس است و این حدس، ناشی از اراده ما می‌باشد (آیت‌الله خامنه‌ای، سخنرانی ۱۳۶۸).

روش تحقیق

این پژوهش از نوع کاربردی و تفسیری بوده و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا و فراتحلیل کیفی در گام اول با بررسی محتوای منابع مرتبط با مکاتب فکری مورد بحث در موضوع تحقیق، به گردآوری، دسته‌بندی و جمع‌بندی نظریات در هر مکتب پرداخته و با مبنای قرار دادن اصول فکری اشاعره، تحلیل متقابل اصول را از منظر تفکر مکتب تشیع مورد بررسی قرار داده است. سپس با فراتحلیل اصول احصاشده مورد بررسی قرار گرفته و با تحلیل نوع و نحوه تأثیر هر یک از اصول بر تفکر آینده، با تحلیل پیامد، به تفسیر و نتیجه‌گیری نهایی تأثیر اصول گردآوری شده در خصوص آینده‌اندیشی از منظر مکتب اشاعره و همچنین مکتب تشیع پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش

استنتاج و تحلیل تفکر آینده‌اندیشی اشاعره

نحوه تأثیر بر آینده‌اندیشی	نوع تأثیر بر آینده‌اندیشی	اصول فکری اشاعره
به دلیل نداشتن نگاه استنتاجی به استنتاج از روندهای آینده‌ساز، شناسایی نشانه‌ها و ... نمی‌پردازند	مستقیم	اعتقاد به عقل نظری و انکار عقل عملی
به آینده مطلوب نمی‌اندیشند	مستقیم	نداشتن نگاه آرمان‌گرایانه
نمی‌توانند با تحلیل علت و معلولی حوادث را و تأثیر روندها و پیشران‌ها را بر آینده ترسیم کنند	مستقیم	انکار ضرورت علی و اعتقاد به عادت‌ها...

اصول فکری اشاعره	نوع تأثیر بر آینده اندیشی	نحوه تأثیر بر آینده اندیشی
تقدم نقل بر عقل	غیر مستقیم	استنتاج نمی کنند
نظریه کسب	غیر مستقیم	انسان فاعل افعال خویش نیست، پس با چنین تفکری نمی توان به آینده افعال انسان و آینده سازی ناشی از انتخاب افعال اندیشید.
فاعل افعال خود خداست	غیر مستقیم	فاعل همه افعال خداست، پس با چنین تفکری نمی توان به آینده افعال انسان و آینده سازی ناشی از انتخاب افعال اندیشید.
زیادت صفات بر ذات	کم ارتباط	کم تأثیر
رؤیت خدا در قیامت	کم ارتباط	کم تأثیر
تمثیل خداوند به مسائل مادی	کم ارتباط	کم تأثیر
حسن و قبح (نیکویی و زشتی) را تابع احکام شرع می دانند	مستقیم	با این نگاه نمی توان فعل حسن (خوب) را شناسایی و تبیین و آینده مطلوب و نامطلوب را ترسیم کرد (آینده و هر چیزی فاقد مطلوبیت و نامطلوبیت ذاتی است).
طرفدار مطلق بودن اخلاق (اخلاق جاودان)	مستقیم	کسانی که منکر اختیار در تصمیم هستند به طریق اولی به انتخاب آینده و آینده سازی اعتقادی ندارند
طرفدار جبر	مستقیم	مستقیم
اراده خداوند (قضا و قدر) حاکم بر همه چیز است و	مستقیم	وقتی برای انسان اراده مؤثر قائل نباشند، نمی توانند

اصول فکری اشاعره	نوع تأثیر بر آینده‌اندیشی	نحوه تأثیر بر آینده‌اندیشی
انسان فاقد اراده موثر		به تأثیر این اراده در آینده قائل باشند.
اصل تغلب	غیر مستقیم	اصولاً با حرکت تغییر آفرین مخالفند و اصل را با هر کسی می‌دانند که برنده گردیده، لذا به وجود حقیقت، آرمان ارزش و ... بیگانه هستند.
مدینه فاضله	مستقیم	اعتقادی به مدینه فاضله ندارند
غایت‌مندی آفرینش	غیر مستقیم	به غایت‌مندی اعتقادی ندارند، در نتیجه به آینده قابل دستیابی و قابل ساختن و هدف‌مند اعتقادی ندارند
آینده مستضعفان	مستقیم	به مهدویت و گسترش عدل و داد و حکومت مستضعفان اعتقادی ندارند

اصول تفکری آینده‌اندیشی در نگاه شیعه به شرح ذیل است: (وقوفی، ۱۳۹۹).

۱. اعتقاد به نظام علی و تأثیر‌گذاری بر سرنوشت فردی و اجتماعی؛
۲. اعتقاد به اهمیت متفکر (پاکیزگی، فکری، روحی و ...) در آینده‌اندیشی؛
۳. زمینه‌سازی برای برپایی آینده محتوم و وعده‌داده‌شده در قرآن و روایات؛
۴. حرکت بر اساس چشم‌انداز اخروی؛
۵. تعریف آینده مطلوب منطبق بر ارزش‌ها و وعده‌های الهی؛
۶. اعتقاد به جهان غیب و اعتقاد به وعده‌ها و سنت‌های الهی؛
۷. اعتقاد به اینکه اراده خداوند مهم‌ترین عامل آینده‌سازی است؛

۸. اعتقاد به توسل، دعا و تأثیر آن در آینده‌اندیشی؛
۹. توجه به نیت و تأثیر آن در هر اقدام؛
۱۰. رجا و امید در تمامی تصمیمات (امیدواری و نگاه امیدوارانه به آینده) و پرهیز از هر گونه یأس و ناامیدی در اندیشه به آینده.

مقایسه طرز فکر اشاعره و شیعه در خصوص آینده‌اندیشی

مواردی که براساس اصول فکری اشاعره (بیان‌شده در بند ۵,۱) دارای ارتباط و تأثیر در آینده‌اندیشی می‌باشد، به صورت متقابل مورد تحلیل قرار گرفته و در نهایت تأثیر این اصول بر تفکر نهایی آینده‌اندیشی اشاعره و شیعه مورد تحلیل قرار گرفته است، در بیان آینده‌اندیشی از منظر شیعه علاوه بر بررسی اصول تحلیل‌شده متقابل با اشاعره اصول خاص مکتبه تشیع مبتنی بر موارد طرح‌شده در بند (۵,۲) و (ت) نیز مدنظر قرار گرفته است.

اصول فکری شیعه	اصول فکری اشاعره
اعتقاد به عقل عملی و نظری	اعتقاد به عقل نظری و انکار عقل عملی
نگاه آرمان‌گرایانه	نداشتن نگاه آرمان‌گرایانه
اعتقاد به نظام علت و معلولی	انکار ضرورت علی و اعتقاد به عادت‌ها...
عقل و نقل همتای همنده	تقدم نقل بر عقل
برابر موارد بیان‌شده در بند (ت) پذیرفته نیست	نظریه کسب
برابر موارد بیان‌شده در بند (ت) پذیرفته نیست	فاعل افعال خود خداست
حسن و قبح عملی	حسن و قبح (نیکویی و زشتی) را تابع احکام شرع می‌دانند

اصول فکری اشاعره	اصول فکری شیعه
طرفدار مطلق بودن اخلاق (اخلاق جاودان)	برابر موارد بیان‌شده در بند (ت) پذیرفته نیست
طرفدار جبر	برابر موارد بیان‌شده در بند (ت) پذیرفته نیست
اراده خداوند (قضا و قدر)	اراده انسان در طول اراده خداوند است
اصل تغلب	برابر موارد بیان‌شده در بند (ت) پذیرفته نیست
به مدینه فاضله معتقد نیستند	معتقد به مدینه فاضله
به غایت‌مندی آفرینش معتقد نیستند	معتقد به غایت‌مندی آفرینش
آینده مستضعفان	آینده روشن و غلبه مستضعفان بر ظالمان

نتیجه‌گیری

باتوجه به بررسی‌های صورت گرفته و تبیین و تحلیل اصول فکری اشاعره و تحلیل متقابل آن با اصول فکری شیعه و شناسایی نحوه و نوع تأثیر این اصول بر آینده‌اندیشی در این دو مکتب، نتیجه این بررسی‌ها در آینده‌اندیشی مکاتب فوق به شرح ذیل قابل طرح است.

مکتب اشاعره: اشاعره از چند جنبه در ورود به مسئله آینده‌اندیشی فاقد ظرفیت‌های لازم

هستند:

۱. ظرفیت‌های فکری و پایه تفکری لازم برای آینده‌اندیشی را ندارند (باتوجه به نفی عقل عملی و اعتقاد صرف به عقل نظری آن‌هم صرفاً در حد اثبات خداوند)؛
۲. در فرایند تحلیل فاقد ظرفیت لازم برای آینده‌اندیشی هستند (نداشتن اعتقاد به تجویز و انتقاد و توجه صرف به برداشت حدیث، از جمله نکات مهم در این بخش بی‌توجهی به حسن و قبح عملی و نداشتن راه‌حل برای حسن و قبح بلا بیان است)؛
۳. فاقد انگیزه‌های لازم برای تغییر هستند (حاکم بودن نگاه توجیه وضع موجود و رضایت به هر آنچه که هست به جای تفقه و نداشتن نگاه آرمان‌گرایانه)؛

۴. حاکم بودن نگاه گذشته‌نگر به جای نگاه آینده‌نگر؛
۵. وجود قواعد و اصول فکری دست‌وپاگیر که اصولاً قدرت ابتکار عمل و اجتهاد و تحلیل و از همه مهم‌تر ریل‌گذاری روشی جدید را از متفکر سلب می‌نماید (اصل جبر و اصل کسب و سایر اصول).

لذا باتوجه به اینکه تفکر اشاعره دارای محدودیت‌های متعدد و فاقد ظرفیت‌های لازم برای آینده‌اندیشی هستند، درحقیقت در این مکتب نگاه «هرچه پیش آید؛ خوش آید» حاکم است و نگاهی گذشته‌نگر داشته و فاقد آینده‌نگری و همچنین نگاه آینده‌سازی هستند.

مکتب تشیع: درمقابل تفکر اشاعره، شیعه همان‌گونه که در مفاهیم بیان‌شده در بند (ب) از بخش (۲-۳) و همچنین موارد بیان شده در بند (۵,۲) و (۵,۳) بیان شد، با اعتقاد به مهدویت و غایت‌مندی آفرینش و اعتقاد به تفکر آرمان‌گرایانه، انتظار را مذهب اعتراض دانسته و تمام‌قد به فکر ساخت آینده مبتنی بر دیدگاه‌های ارزشی خود است، باتوجه به وجود اعتقاد به ساخت مدینه فاضله، درحقیقت شیعه برای ساخت آنچه مطلوب است برنامه‌ریزی می‌نماید. در این مکتب نگاه به آینده با برنامه‌ریزی برای تحقق آینده مطلوب است که این مطلوبیت را از ارزش‌های الهی منبعث می‌داند. در این مکتب بر پایه‌های ساخت آینده مانند توکل، رجا، رغبت الهی، توسل و پاکیزگی طینت و روح تأکید ویژه دارد و درعین حال که به «لَا مَوْثِرَ فِي الْوُجُودِ إِلَّا اللَّهُ» معتقد است اما این اعتقاد را قدرتی برای حرکت بهتر به سوی آینده‌سازی مبتنی بر رضایت الله می‌داند و با نشستن و قعود مخالف است و اعتقاد راسخ دارد به اینکه «فَضَلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا»، و این مجاهدت یک بخش مهمش در حرکت به سوی ساخت آینده است، لذا ساختن آینده با فهم شرایط آن و با تأثیر اراده انسان همراه باتوجه به امدادهای الهی و باور به سنت‌ها و وعده‌های الهی اصلی‌ترین جوهره نگاه به آینده در مکتب تشیع است.

پیشنهادها

باتوجه به یافته‌ها و نتیجه‌گیری این تحقیق برای ادامه و تکمیل بررسی موضوع آینده‌اندیشی

میان مکاتب اسلامی موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

- بررسی آینده‌اندیشی میان سایر مکاتب از جمله معتزله و ماتریدیه و بررسی متقابل آن با تشیع؛
- استخراج و بیان مدل آینده‌اندیشی اسلامی مبتنی بر آموزه‌های مکتب اسلام؛
- انجام تحقیقات و تدوین اسناد آینده‌پژوهی مبتنی بر مدل اسلامی.

منابع

- دین‌پناه، حسن (۱۳۹۸)، دیدگاه برخی از بزرگان اشاعره (فخر رازی، تفتازانی و جرجانی) درباره امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، فصلنامه علمی-ترویجی پژوهش‌های مهدوی، شماره ۳۰.
- پیرمرادی، محمدجواد (۱۳۷۰)، بررسی اجمالی و تطبیقی نظرات مهم کلامی شیعه و اهل سنت (معتزله و اشاعره)، فصلنامه مصباح.
- تقوی، سیدعلی و کرامت‌زاده، عبدالمجید (۱۳۹۸)، مبانی آینده‌پژوهی از دیدگاه فلاسفه اسلامی، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- حاجبانی، ابراهیم (۱۳۹۶)، مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی، دانشگاه امام صادق (ع).
- خامنیه‌ای، آیت‌الله سیدعلی، (۱۳۶۸) «سخنرانی در دیدار اعضای هیئت‌دولت»
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2160>
- خامنیه‌ای، آیت‌الله سیدعلی (۱۳۷۸) «سخنرانی عید فطر»-
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2987>
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۰)، تفاوت‌های بنیادین عقاید اشاعره و امامیه، ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۶۰۱.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۴)، خدا آفریننده کارهای بندگان، شماره ۶۵۸.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۵ الف)، عقاید اشاعره (۳)، ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۶۵۹.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۵ ب)، عقاید اشاعره (۵)، ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۶۶۳.
- سلیمانی بهبهانی، عبدالرحیم و آسیابان‌ها رضایی، حامد (۱۳۹۵)، بررسی روش عقلی فلسفی در مکتب کلامی معتزله، اشاعره و امامیه، فصلنامه علمی-پژوهشی کلام اسلامی، شماره ۹۹.

عباس‌پور، ابراهیم (۱۳۹۴)، ظرفیت‌ها و ضرورت‌های اندیشه اجتماعی در کلام اشاعره، فصلنامه علمی-پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۲۵.

عمادزاده، محمدکاظم؛ راعی، مسعود و روح‌اللهی، روح‌الله (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی حسن‌وقبح و ثمرات آن در اندیشه شیعه، معتزله، اشاعره و ماتریدیه، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های اعتقادی کلامی، شماره ۵. فارسی‌نژاد، علی‌رضا (۱۳۸۹)، تأملی بر دیدگاه اشاعره در باب غایت‌مندی آفرینش، فصلنامه علمی-پژوهشی آینه معرفت، شماره ۲۲.

قردان قراملکی، علی (۱۳۹۷)، فلسفه تأسیس مکتب اشاعره، فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات کلامی، شماره ۲۲.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۸ الف)، انسان و سرنوشت، تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۸ ب)، عدل الهی، تهران: صدرا.

موسوی صدیق، سیدابوالفضل (۱۳۹۳)، بررسی ارتباط اشاعره با خلافت عباسی، فصلنامه فرهنگ پژوهش، شماره ۱۹.

واعظی، محمود و قوام، زینب‌سادات (۱۳۹۴)، جایگاه آینده‌پژوهی در آیات و روایات، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، شماره ۳۴.

وقوفی، امید (۱۳۹۹)، مبانی آینده‌اندیشی اسلامی، جزوات درسی آینده‌اندیشی دانشگاه امام حسین(ع).

